

خاطرات تلخ و شیرین دوران مدرسه

دانش آموزان دیروز، معلمان امروز
کتابی هدیه‌اندنی برای معلمان و مربیان

جلد اول: خاطرات دوره دبستان

مؤلف

سیدحسین میرلوحی



فیا:

سرشناسه: میرلوحی، حسین، ۱۳۳۰ -

عنوان و نام پدیدآورنده: خاطرات تلخ و شیرین دوران مدرسه: دانش‌آموزان دیروز، معلمان امروز کتابی خواندنی برای معلمان و مربیان / سیدحسین میرلوحی.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۳ ج.

شابک: ۳-۳-۹۵۶۲۶-۶۰۰-۹۷۸-۲۳۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

مندرجات: ج. ۱، خاطرات دوره دبستان، ج. ۲، خاطرات دوره راهنمایی، ج. ۳، خاطرات دوره دبیرستان

عنوان دیگر: دانش‌آموزان دیروز، معلمان امروز کتابی خواندنی برای معلمان و مربیان

موضوع: معلمان -- ایران -- خاطرات

موضوع: معلمان -- ایران -- آثار و نوشته‌ها

شناسه افزوده: دانشگاه فرهنگیان

رده‌بندی کنگره: ۲۹۴ / ۹ / الف / ۴ / ۲۸۳۲ LB

رده‌بندی دیویی: ۵۵ / ۱ / ۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۶۰۸۱

عنوان: خاطرات تلخ و شیرین دوران مدرسه (جلد اول)

مؤلف: دکتر حسین میرلوحی

ناشر: دانشگاه فرهنگیان، معاونت پژوهشی و فناوری

محل نشر: تهران

مدیر اجرایی: امیر عباسی

آماده‌سازی: نشر لوزی

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰

لیتوگرافی و چاپ: سالار

قیمت: ۲۳۰۰۰۰

کلیه حقوق این اثر متعلق به دانشگاه فرهنگیان است.

تهران، شهرک قدس، خیابان شهید فرح زادی، نبش نیاش، کوچه تربیت معلم، سازمان مرکزی دانشگاه فرهنگیان

تلفن: ۸۷۷۵۱۲۷۸ - کدپستی: ۱۹۳۹۶۱۴۴۶۴

آدرس وب سایت: <http://cfu.ac.ir/ekepb>

انتشارات دانشگاه فرهنگیان ۱۳۹۴

مجموعه‌ی حاضر در برگیرنده‌ی خاطرات دوران دانش‌آموزی دانشجویان رشته‌ی دبیری (دانشجو معلمان) می‌باشد. این خاطرات در فاصله‌ی زمانی ۱۳۷۰ (نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۱۳۷۰-۱۳۶۹) تا ۱۳۹۳ (نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲) و به‌عنوان یک فعالیت کلاسی برای درس «کلیات روش‌ها و فنون تدریس» به‌رشته‌ی تحریر در آمده‌اند.

بخشی از این خاطرات که در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ نگارش یافته‌اند به دانشجویان رشته دبیری دانشگاه تربیت معلم تهران (خوارزمی) متعلق است. در آن زمان این جانب به‌عنوان استاد مدعو در این دانشگاه تدریس می‌کردم. بخش دیگر خاطرات که تاریخ نگارش آنها در فاصله‌ی زمانی ۱۳۹۳ - ۱۳۷۶ صورت گرفته است به دانشجویان رشته‌ی دبیری دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی (نهرن) تعلق دارد. این جانب از سال ۱۳۷۶ به‌عنوان عضو هیأت علمی در این دانشگاه به تدریس و پژوهش مشغول می‌باشم. البته در کار نگارش خاطرات دانشجویان رشته‌ی دبیری در این فاصله‌ی زمانی (۱۳۷۰ تا ۱۳۹۳) وقفه‌هایی نیز وجود داشته است که علت آن یا ناشی از ارائه‌ی این درس از سوی این جانب و یا عدم پذیرش دانشجوی رشته‌ی دبیری از سوی دانشگاه بوده است.

در این جا جهت اطلاع خوانندگان از هدف، محتوا و سبک نگارش این خاطرات که به‌عنوان یکی از تکالیف کلاسی (کار اول) انجام شده‌اند، متنی راهنمای نحوه‌ی انجام این کار را که در اختیار دانشجویان قرار داده می‌شد، عیناً در زیر آورده می‌شود:

راهنمای انجام تکالیف درس کلیات روش ها و فنون تدریس

کار اول: تجزیه و تحلیل یک خاطره‌ی تربیتی از دوران تحصیل

هدف: بیان اهمیت و درجه‌ی حساسیت نحوه‌ی واکنش و رفتار معلم و تأثیرات (مثبت و منفی) ماندگار آن از طریق یک تجربه‌ی شخصی به منظور افزایش بصیرت و آگاهی دانشجو معلمان نسبت به پیامدهای رفتار خویش در آستانه‌ی ورود به شغل خطیر معلمی.

محتوا و شیوه‌ی نگارش: ابتدا همه‌ی خاطرات تلخ و شیرین تربیتی را که در دوران ۱۲ ساله‌ی تحصیل در مدارس و در ارتباط با معلمان خود داشته‌ایم یک‌بار دیگر از ذهن می‌گذرانیم و آنها را از نظر اهمیت و به خصوص میزان تأثیرگذاری (مثبت یا منفی) که بر روی روان و اندیشه و نگرش ما داشته‌اند مورد ارزیابی مجدد قرار داده و سپس یکی از این خاطرات (اتفاقات) را که تأثیر ماندگار تعیین‌کننده‌تری تا به امروز بر شخصیت و زندگی ما گذاشته است، انتخاب نموده و آن گاه آن را از منظر علم تعلیم و تربیت و به کمک دانش و شناختی که در طول تحصیلات دانشگاهی کسب کرده‌ایم مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم و سپس نتیجه‌گیری می‌کنیم. ترتیب نگارش مطالب در این تکلیف کلاسی باید از این قرار باشد: ۱- مقدمه ۲- شرح واقعه ۳- تجزیه و تحلیل رفتار معلم ۴- نتیجه‌گیری تربیتی، اسباب و اثر نهایی.

خصوصیات ظاهری: حجم این تکلیف نباید از دو صفحه‌ی (یک‌رو) کاغذ کلاسور تجاوز کند و حداقل شامل اطلاعاتی از این قبیل باشد: این یاداد تربیتی: ۱- در چه سال تحصیلی ۲- در کدام پایه تحصیلی ۳- در کجا (نام شهر یا روستا) ۴- و در ارتباط با معلم کدام درس، اتفاق افتاده است ۵- این اطلاعات در پایان متن کار اول ارائه شود.

تاریخ ارائه: آخرین مهلت تحویل این تکلیف کلاسی هفته‌ی پنجم از تقویم آموزشی دانشگاه می‌باشد.

این خاطرات پس از دریافت مورد مطالعه‌ی این جانب قرار می‌گرفت و در جلسات بعد بدون ذکر نام نویسنده به کلاس بازخورد داده می‌شد و معمولاً در پانزده دقیقه‌ی اول کلاس درس که به آن نام «سخن قبل از دستور» داده بودیم، به‌طور فشرده مورد گفتگو قرار می‌گرفت. این کار برای دانشجویان بسیار جذاب بود و اغلب توصیه می‌کردند که این خاطرات چاپ و انتشار یابد.

در طول این فاصله‌ی زمانی یادشده در مجموع ۱۶۹۳ خاطره‌ی تلخ و شیرین (۱۱۴۰ خاطره‌ی تلخ و ۵۵۳ خاطره‌ی شیرین) جمع‌آوری گردید.

از آنجایی که این خاطرات از ارزش علمی- پژوهشی و اهمیت تاریخی- فرهنگی زیادی برخوردار بودند، این جانب همواره در صدد بودم آن‌ها را مورد مطالعه و بررسی دقیق‌تر قرار داده و گزیده‌ای از آن‌ها را بر اختیار معلمان و جامعه‌ی تعلیم و تربیت ایران قرار دهم. خوشبختانه با هدایت و توفیق بهر فرصت انجام این کار در تابستان ۱۳۹۳ (رمضان ۱۴۳۵) به‌وجود آمد و روزهای طولانی تابستان، آرامش و معنویت حاکم بر ماه مبارک رمضان، شرایط بسیار مساعدی را فراهم نمود تا این جانب با حوصله و دقت لازم این کار بسیار وقت‌گیر را، که به‌تنهایی باید انجام می‌گرفت، آغاز و به‌طور مستمر ادامه دهم.

روش بررسی و معیار انتخاب خاطرات به شرح زیر صورت پذیرفت:

در مرحله‌ی اول، هر یک از خاطرات با حوصله خوانده می‌شد و چنانچه موضوع و محتوای آن از نظر تربیتی و آموزشی بر یک مسأله مشخص متمرکز بود و از احاطه قالب و شیوه‌ی نگارش از انسجام نسبی برخوردار بود و نیازی به ویراستاری و دخل و تصرف نداشت به‌عنوان خاطره‌ی منتخب برگزیده می‌شد. در این مرحله که با تجدیدنظرهای متعددی نیز همراه بود، از مجموع ۱۶۹۳ خاطره، تعداد ۱۰۴۴ خاطره (۷۵۸ خاطره‌ی تلخ و ۲۸۶ خاطره‌ی شیرین) حذف شدند و در مجموع ۶۴۹ خاطره‌ی منتخب (۳۸۲ خاطره‌ی تلخ و ۲۶۷ خاطره‌ی شیرین) باقی ماندند.

در مرحله‌ی دوم، این خاطرات منتخب براساس این که در چه مقطع و دوره‌ی تحصیلی اتفاق افتاده‌اند، در سه دوره‌ی تحصیلی دبستان، راهنمایی و دبیرستان طبقه‌بندی گردیدند که سهم هر دوره‌ی تحصیلی از این قرار بود: دوره‌ی دبستان ۲۳۱ خاطره، دوره‌ی راهنمایی ۲۱۶ خاطره، دوره‌ی دبیرستان ۲۰۲ خاطره.



در مرحله‌ی سوم، خاطرات هر دوره‌ی تحصیلی برحسب تلخ یا شیرین بودن مورد تفکیک قرار گرفتند. بدین سان سهم دوره‌ی دبستان با ۱۳۶ خاطره‌ی تلخ و ۹۵ خاطره‌ی شیرین، دوره‌ی راهنمایی با ۱۳۲ خاطره‌ی تلخ و ۸۴ خاطره‌ی شیرین و دوره‌ی دبیرستان با ۱۱۴ خاطره‌ی تلخ و ۸۸ خاطره‌ی شیرین، معین گردید.

در مرحله‌ی چهارم، ابتدا خاطرات تلخ هر دوره‌ی تحصیلی براساس موضوع و مضمون آن‌ها در ذیل عناوین (فصل‌های) ۱- تنبیه بدنی ۲- تحقیر ۳- تمسخر ۴- تبعیض ۵- ترس ۶- اتهام تقلب ۷- سخت‌گیری ۸- انتقام ۹- لقب دادن ۱۰- گوناگون، انتظام داده شدند. البته این کار در دیدگاه تربیتی با دشواری‌های ذاتی روبه‌رو می‌باشد. زیرا بسیاری از اتفاقات تربیتی به‌عنوان رویدادها به‌هم پیچیده و یک‌پارچه نمود می‌یابند و احساسات ایجاد شده بر اثر یک رفتار یا رویداد، قابل تجزیه و تفکیک نمی‌باشند. برای مثال مرز بین احساس ناشی از تحقیر و تمسخر و یا تنبیه بدنی و ترس به سختی قابل تفکیک است. به همین دلیل بسیاری از این خاطرات که حاوی احساسات چندگانه هستند، می‌توانند در ذیل دیگر فصل‌ها (عناوین) نیز قرار گرفته و جابه‌جا شوند. با وجود این به‌منظور انتظام بهتر این خاطرات و آسان‌تر شدن کار خوانندگان مبادرت به طبقه‌بندی این خاطرات براساس عناوین حاضر کردیم. البته در قراردادن این خاطرات در ذیل این فصل‌ها (عناوین) در درجه‌ی نخست احساس شخصی و تلقی خود نویسنده‌ی خاطره ملاک عمل قرار گرفته است.

در خصوص طبقه‌بندی خاطرات شیرین در دوره‌ی تحصیلی، کار کمی دشوارتر بود به همین دلیل این خاطرات در ذیل سه عنوان و فصل دلیلی بر: ۱۱- فراست و درایت معلم ۱۲- تشویق و جایزه‌ی معلم ۱۳- مهربانی و دل‌سوزی معلم، انتظام داده شدند.

در مرحله‌ی پنجم، برای هر یک از این خاطرات تلخ و شیرین نام و عنوان انتخاب گردید. اگرچه از دانشجویان خواسته شده بود که خود برای خاطره‌ی خویش نام و عنوانی برگزینند اما فقط تعداد کمی به این کار مبادرت کرده بودند. بنابراین برای این که این خاطرات دارای نام و عنوانی باشند و خواندن آن‌ها جذاب‌تر شود، به انتخاب عنوان برای هر یک از این خاطرات اقدام نمودیم. شیوه‌ی عمل نیز به این صورت بود که از داخل متن خاطره، یک واژه یا عبارتی را که خود نویسنده به کار برده است، برای نام و عنوان برگزیدیم. البته این احتمال وجود دارد

که انتخاب این عناوین از سوی ما چندان مناسب یا دقیق نباشد و مضمون و محتوای خاطره را به درستی منعکس نکند (خوانندگان خوش سلیقه خود می‌توانند در هنگام خواندن این خاطرات عناوین و نام‌های مناسب‌تری برگزینند).

در مرحله‌ی ششم، خاطرات هر فصل به ترتیب تاریخ نگارش انتظام یافتند. بدین معنا که در هر فصل ابتدا آن خاطراتی قرار داده شده‌اند که تاریخ نگارش آن‌ها قدیمی‌تر بوده است. در ضمن برای تعیین سهم و نسبت خاطرات دانشجویان دختر، همه‌ی خاطرات آن‌ها شمارش گردید. بدین‌سان از مجموع ۶۴۹ خاطره‌ی منتخب تعداد ۲۵۴ خاطره (معادل ۳۹٪) متعلق به دانشجویان دختر است که به تفکیک در دوره‌ی دبستان ۹۹ خاطره (۴۳٪)، دوره‌ی راهنمایی ۷۰ خاطره (۳۲٪) و دوره‌ی دبیرستان ۸۵ خاطره (۴۲٪) می‌باشد.

بدین‌سان کار بررسی، انتخاب، تفکیک، طبقه‌بندی، نام‌گذاری و انتظام این خاطرات به اتمام رسید و مجموعه حاضر در سه جلد تدوین گردید که جلد اول آن به «خاطرات دوره‌ی دبستان»، جلد دوم به «خاطرات دوره‌ی راهنمایی» و جلد سوم به «خاطرات دوره‌ی دبیرستان» اختصاص یافته است.

البته در این‌جا باید یادآور شد که خاطرات عذف شده نیز از نظر پژوهشی ارزشمند هستند و اطلاعات و نکات جالب و آموزنده‌ی تربیتی زیادی در آن‌ها وجود دارد، ولی تنها اشکال آن‌ها این است که از چهارچوب و خصوصیات تعیین‌شده فراتر رفته‌اند و نیازمند دخل و تصرف زیادی هستند. با این حال این خاطرات هم‌چنان می‌توانند در اختیار پژوهش‌گران علاقه‌مند قرار گیرند.

در خصوص خاطرات منتخب نیز باید گفت: اگرچه در راهنمای انجام این کار کلاسی از دانشجویان خواسته شده بود که حجم خاطره از دو صفحه‌ی یک‌رو کاغذ A۴ تجاوز نکند ولی تعدادی از آن‌ها از حجم و اندازه‌ی تعیین‌شده فراتر رفته و طولانی‌تر شده‌اند. در این‌جا مقرر شد تا جایی که به محتوا و انسجام آن‌ها خدشه‌ای وارد نشود، کوتاه شوند. همچنین با وجودی که در متن راهنما آمده بود که ترتیب نگارش رعایت گردد اما همه‌ی دانشجویان از این سبک و سیاق پیروی نکرده‌اند، و نیز اطلاعات مربوط به زمان و مکان رویداد تربیتی را نیز برخی در ابتدای خاطره، بعضی در ضمن متن و دسته‌ای در پایان متن آورده‌اند و تعدادی



هم که اصلاً به آن‌ها هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند. ولی از آن جایی که تاریخ نگارش این خاطرات صحیح و دقیق می‌باشد می‌توان براساس آن، زمان تقریبی وقوع این رویدادهای تربیتی را محاسبه نمود. البته در همین جا باید متذکر شد که گاهی اتفاق می‌افتد که تاریخ نگارش چند خاطره که در یک نیم‌سال تحصیلی واحد صورت گرفته است از نظر زمان وقوع چند سال با هم فاصله دارند. این تفاوت مربوط به دانشجویان کارشناسی ناپیوسته است که مجدداً به تحصیل پرداخته‌اند و از نظر سنی با دانشجویان کارشناسی پیوسته تفاوت داشته‌اند؛ ضمناً در نگارش خاطرات، آن گونه که انتظار می‌رفت آیین نگارش و ویرایش رعایت نگردیده است. ولی از آنجایی که اصالت متن بر روان بودن آن تقدم داشته است آن‌ها را همان‌طور دست‌نخورده باقی گذاشته ایم.

تاریخ نگارش این خاطرات در پایان متن هر خاطره نوشته شده است. نظر به این که برخی از دانشجویان سال اول بودند نام آن‌ها اعلام گردد از این رو به منظور وحدت رویه، در همه‌ی خاطرات فقط به حرف اول نام و نام خانوادگی نویسنده‌ی آن خاطره اکتفا شده ضمن این که رشته‌ی تحصیلی نیز به آن اضافه شده است. (به غیر از تعدادی از خاطرات که نویسندگان آن، رشته‌ی تحصیلی خود را مشخص کرده بودند). افزون بر این برای تعیین جنسیت نویسنده‌ی خاطره، برای دانشجویان دختر نشانه‌ی (د) و برای دانشجویان پسر نشانه‌ی (پ) قرار داده شده است که بلافاصله بعد از حرف اول نام و نام خانوادگی نویسنده‌ی خاطره آمده است. هم‌چنین شایان ذکر است برای حفظ هویت اشخاص، از اعلام نام معلمانی که در خاطرات تلخ آمده است خودداری گردیده و صرفاً به حرف اول آن‌ها بسنده شده، هرچند برخی از دانشجویان خود در هنگام نگارش خاطره‌ی خویش به رسد اب و حفظ شأن مقام معلم از نام‌های غیر واقعی استفاده کرده‌اند. اما در مقابل، نام معلمانی که در خاطرات شیرین آمده، اعلام گردیده است تا حداقل از این طریق یادی از آن‌ها به عمل آید و نامشان در تاریخ آموزش و پرورش ایران ماندگار شود.

اما در خصوص این مجموعه‌ی حاضر ممکن است اشکالاتی مطرح گردد. از قبیل این که تعداد خاطرات زیاد می‌باشد و برخی از آن‌ها از نظر مضمون و محتوا شبیه هم هستند و بنابراین ضرورتی نداشت که همه‌ی آن‌ها آورده شود. در پاسخ باید گفت که رویدادهای



تربیتی با توجه به اصل تفرد و متفاوت بودن شخصیت افراد درگیر در یک واقعۀ تربیتی (معلم و شاگرد) و نیز موقعیت و شرایط حاکم در لحظۀ وقوع آن، اتفاقاتی منحصر به فرد و تکرارناپذیر تلقی می‌گردند و بنابراین نوع واکنش نسبت به آن و تأثیرات عاطفی ناشی از یک رویداد تربیتی به ظاهر مشابه می‌تواند به غایت متفاوت باشد. در هنگام خواندن این خاطرات به خوبی می‌توان پی برد که چگونه رفتار روزمره و یکسان معلمان، واکنش‌های رفتاری و عاطفی مختلفی را در دانش‌آموزان به وجود می‌آورد. دلیل دیگری که برای توجه زیاد بودن تعداد این خاطرات می‌توان ارائه کرد این است که ما در کار ثبت و ضبط رویدادهای تربیتی و مستندسازی آن‌ها، در مقایسه با برخی از کشورها (با کمبودهایی روبه‌رو می‌باشیم. در همین جا شاید مناسب باشد که اشاره شود برخی از کشورها به این امر اهتمام ویژه‌ای مبذول می‌دارند و به‌طور مستند در آن جمع‌آوری و مستندسازی آثار و شواهد آموزشی و تربیتی می‌باشند. برای نمونه یکی از بخش‌های پژوهشی دانشگاه ورتسبورگ آلمان که هم‌اکنون در حال اجرا می‌باشد درصدد گردآوری خاطرات کسانی است که در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۵۰ - ۱۹۳۰ میلادی (۱۳۲۹ - ۱۳۰۹ ه. ش.) به مدرسه رفته‌اند. این افراد در این پژوهش که از طریق مصاحبه انجام می‌گیرد، به‌عنوان شاهدان عینی زمان خویش، خاطرات، تجارب و مشاهدات خود از دوران مدرسه را گزارش و به سبیل شایع به ظاهر بی‌اهمیتی مانند شکل کلاس، تخته سیاه، نحوه‌ی امتحانات و ... می‌پردازند. این آثار فرضیه‌ی مجریان این طرح پژوهشی این است که این مدرسه است که زندگی و شرح حال (بی‌گرافی) انسان‌ها را شکل می‌دهد و بر آن اثر می‌گذارد.^۱

اشکال دیگری که می‌تواند مطرح شود این است که این خاطرات در چارچوب یک تکلیف کلاسی الزامی به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند و از روی اختیار و ازادی نبوده‌اند و بنابراین بیشتر جنبه‌ی تشریفاتی و رفع تکلیف داشته‌اند و به‌همین دلیل چندان محل اعتنا نمی‌باشند. خوشبختانه صحت و سقم این اشکال نیاز به توضیح و استدلال ندارد و با مراجعه‌ی مستقیم به این خاطرات و خواندن آن‌ها این اشکال فوراً رفع می‌گردد. زیرا خواننده در هنگام مطالعه‌ی این خاطرات با متنی جدی و بی‌پیرایه روبه‌رو می‌شود که روح حاکم بر آن



را صداقت و صمیمیت تشکیل می‌دهد و احساس تعهد حرفه‌ای در لابه‌لای سطور آن موج می‌زند و هر خواننده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خود این جانب در طول جمع‌آوری این خاطرات همواره مفتون صداقت، صراحت و صمیمیت این دانشجو معلمان در بیان احساسات و افکارشان بودم.

اشکال دیگری که شاید بتوان بر روی آن انگشت گذاشت این است که بهتر بود خود گردآورنده نیز در پایان هر خاطره نسبت به آن موضع‌گیری و اظهارنظر تخصصی می‌کرد. در این باره نیز باید گفت که: انجام این کار به ماهیت این مجموعه که کاری روایی، تاریخی و مستندسازی است، خدشه وارد می‌کرد و آن را از حالت یک کتاب خاطرات که اهداف مشخصی را دنبال می‌کند، دور می‌ساخت. البته همان‌گونه که خوانندگان خود مشاهده می‌کنند، در مجموعه حاضر به بیان صرف خاطره اکتفا نشده است و دانشجو معلمان خود به اظهارنظر تخصصی درباره آن مبادرت کرده‌اند، به ویژه این که خود آن‌ها با تمام وجود تحت تأثیر آن واقعه یا رویداد تربیتی قرار داشته‌اند و احساس و برداشت آن‌ها از اصالت و اعتبار برخوردار است ضمن این که در بسیاری از موارد حقیقتاً نمی‌توان چیزی به اظهارات آنها اضافه کرد و به‌خوبی از عهده‌ی این کار برآمده‌اند.

بنابراین چنانچه گردآورنده نیز وارد این گفت‌وگو می‌شد نه تنها از حوصله‌ی خواننده خارج بود بلکه این مجموعه را به یک کتاب تنگ منتهی تبدیل می‌کرد. اما با وجود این در یک موضع‌گیری کلی می‌توان گفت که: علت اصلی این روایات و خاطرات (چه تلخ و چه شیرین) به توجه یا عدم توجه به دو مسأله‌ی اساسی در مباحث تعلیم و تربیت باز می‌گردد. مسأله‌ی اول «رابطه‌ی تربیتی» (pädagogischer Bezug) می‌باشد. یعنی «اساس» در تعلیم و تربیت را رابطه‌ی مثبت عاطفی یک انسان بالغ (معلم) با انسان در حال رشد (دانش‌آموز) تشکیل می‌دهد، آن هم فقط به خاطر خود دانش‌آموز تا او زندگی و شکل ایده‌آل خود را بیابد^۱ آن چه در این رابطه اهمیت می‌یابد عشق تربیتی و اعتماد و اطمینان است. دانش‌آموز باید حس کند که همه‌ی اقدامات معلم صرفاً به خاطر خود اوست تا او به کمال خویش نایل گردد. به‌همین دلیل در بحث «رابطه‌ی تربیتی» شخصیت الگویی معلم بر تخصص و دانش او اولویت دارد.

مسأله‌ی دوم «نزاکت تربیتی» (pädagogischer Takt) است. یعنی برخورد صحیح و ظریف

1. Herman Nohl: Die pädagogische Bewegung in Deutschland und ihre Theorie. Frankfurt 1963, S.134

(فی البداهه) در هنگام رویدادهای غیرمنتظره و نیز احترام به کرامت دانش‌آموز، بخشی از این «زناکت تربیتی» در رفتارهای زبانی مناسب و کنترل‌شده‌ی معلم به‌صورت‌های زیر نمود می‌یابد:

- ◀ «اجتناب از به‌کاربردن کلماتی که حاوی فحش، ناسزا و یا القاب می‌باشند (لیاقت شماها همین است، بزغاله‌ها).
- ◀ اجتناب از رسواکردن دانش‌آموز در برابر کلاس (نگاهش کنید او همه را غلط انجام داده است).
- ◀ اجتناب از عمیقیت‌دادن قضاوت‌ها درباره‌ی کل کلاس (شما بدترین کلاسی هستید که من تاکنون داشته‌ام).
- ◀ اجتناب از پیش‌گویی از برادرت را می‌شناسم او نیز در این مدرسه دانش‌آموز من بود).
- ◀ اجتناب از اظهارنظر منفی درباره‌ی کلاس (در این سال تحصیلی من کارهای کلاسی خوبی از شما دریافت نکرده‌ام).
- ◀ حفظ فاصله. معلم نباید با دانش‌آموز رابطه‌ی نزدیک بسیار خصوصی برقرار کند و نه این‌که از او بسیار فاصله بگیرد (باید از عبارتهایی از قبیل تو محبوب‌ترین دانش‌آموز من هستی اجتناب کرد).
- ◀ صبر و شکیبایی (خطاب به دانش‌آموز: وقت و حوصله من سرچ‌بده، تو از عهده‌ی این کار برخوایی آمد).
- ◀ خود را به‌جای دانش‌آموز گذاشتن و احساس او را درک کردن (من می‌توانم تصور کنم که نمره‌ی بد تو را نگران می‌کند).
- ◀ قبول و نیز بیان کاستی‌ها و اشتباهات خود (تقصیر از من بود باید تکالیف را روشن‌تر مشخص می‌کردم)»^۱.

همان‌گونه که از مطالعه‌ی خاطرات و به‌خصوص بیان احساس راویان آن به‌خوبی قابل

1. Karl Landherr: Sprachverhalten des Lehrers als Ausdruck seiner Persönlichkeit. In: Die Bedeutung der Lehrerpersönlichkeit für Erziehung und Unterricht. Donauwörth 1980, S.65



استنباط است ریشه‌ی اغلب خاطرات تلخ، ناشی از بی‌توجهی به این دو مسأله‌ی مهم بوده است و در مقابل منشاء خاطرات شیرین به رعایت آگاهانه یا غریزی این دو مسأله باز می‌گشته است.

اما ارزش پژوهشی این مجموعه بر هیچ پژوهش‌گری پوشیده نیست. مجموعه‌ی حاضر یک بُرش تاریخی تقریباً پنجاه ساله از رویدادهای مدرسه و کلاس درس در تاریخ آموزش و پرورش ایران را به نمایش می‌گذارد و می‌تواند از جنبه‌های مختلف مورد استفاده‌ی محققان علوم تربیتی و فرهنگی قرار گیرد، به‌ویژه این که اصالت و اعتبار اطلاعات آن که به شیوه‌ی میدانی و در یک فضای توأم با اعتماد و تعهد به دست آمده است، کاملاً اطمینان‌بخش است. پژوهش‌گران ایرانی خود به خوبی می‌دانند که جمع‌آوری اطلاعات صحیح و اصیل در ایران از طریق پژوهش‌های میدانی (پرسش‌نامه، مصاحبه و ...) تا چه اندازه دشوار و طاقت فرسا می‌باشد و به یک جرّ ماهر و سرشار از اعتماد نیاز دارد.

به هر حال مجموعه‌ی حاضر به‌عنوان اطلاعات خام و دست اول می‌تواند از سوی پژوهش‌گران خوش‌ذوق و زوایان گه‌ناگون مورد پردازش قرار گیرد. برای مثال می‌توان با استفاده از روش هرمنوتیک هر یک از این خاطرات تربیتی را به‌عنوان یک متن تاریخی مورد تفسیر قرار داد و از این طریق به شرایط و چگونگی آن رخداد و نیز تأملات و احساسات افراد درگیر در آن پی برد. هم‌چنین به کمک این تحلیل محتوا می‌توان واژگان و عبارت‌های موجود در این خاطرات را از نظر محتوای مفهومی، نیز نوع و میزان فراوانی مورد بررسی قرار داد و به نتایج مشخصی رسید. از جمله کارهای پژوهشی دیگری که می‌تواند صورت گیرد بررسی سیر تحول و تنوع روش‌ها و وسایل تنبیه و تشویق براساس جغرافیای فرهنگی استان‌ها می‌باشد. مقایسه‌ی تفاوت‌های این رویدادهای تربیتی براساس مقاطع تحصیلی و جنسیت نیز می‌تواند جالب توجه باشد. هم‌چنین می‌توان براساس نظریه‌های تیپ‌شناسی معلمان (مانند تیپ‌شناسی کریستیان کازلمان و ادوارد اشپرانگر)، تیپ‌های شخصیتی معلمان توصیف شده در این خاطرات را بررسی و مورد طبقه‌بندی قرار داد. البته پژوهش‌های دیگری را نیز که عمدتاً در حیطه‌ی پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرند، می‌توان به کمک این مجموعه طراحی و اجرا نمود.

اما این خاطرات از جنبه‌ی لحن و مضمون نیز جالب توجه می‌باشند. برخی از این

خاطرات حالت سوگندنامه دارند (بیشتر در مقدمه‌ی خاطرات) دسته‌ای دیگر شبیه رنج‌نامه هستند، گروهی از آن‌ها ماهیت افشاگرانه دارند، برخی از آن‌ها راه پند و اندرز در پیش گرفته‌اند و تعدادی نیز حاوی خشم و نفرت پایان‌ناپذیر هستند.

نحوه‌ی توصیف معلمان از سوی دانش‌آموزان، به کاربردن اصطلاحات خاص دانش‌آموزی و شیوه‌ی روایت محاوره‌ای و طنزگونه‌ی این خاطرات نیز خالی از لطف نیست و گاهی انسان را به یاد کتاب خاطرات دوران مدرسه طنزنویس مشهور آلمانی هینریش اشپورل می‌اندازد. مخاطبان اصلی این مجموعه را دانشجویان رشته‌های مختلف دبیری، معلمان و مربیان تشکیل می‌دهد. هدف طیف وسیع‌تری از دیگر گروه‌های اجتماعی نیز می‌توانند در دایره‌ی مخاطبان این اثر قرار گیرند. نظر به این که این خاطرات از جنبه‌ی آموزشی و تربیتی آموزنده هستند و راویان آن از همین فرهنگ و سرزمین برخاسته‌اند، می‌توانند برای دانشجویان رشته‌ی دبیری (که آموزش پس از خدمت خود را می‌گذرانند) مفید باشند، به ویژه این که ایرادی را که غالباً از سوی دانشجویان مطرح می‌شود، در بر ندارند. (برخی از دانشجویان رشته‌ی دبیری در کلاس‌ها اظهار می‌دارند که کتاب‌های علوم تربیتی که در دوره‌ی تربیت معلم تدریس می‌شوند اغلب وارداتی هستند و مطالب مورد بحث قرار گرفته در آن‌ها برای مخاطبانی با شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی متفاوت، تدارک دیده شده است و به همین دلیل برای معلمان و مدارس ایران کاربرد چندانی ندارند). به هر حال این خاطرات و سوژه‌ی آن‌ها می‌تواند در برخی از برنامه‌ها و دروس تربیت معلم مورد بحث قرار گیرد. معلمان مدارس نیز می‌توانند این خاطرات را بر حسب آن دوره‌ی تحصیلی که در آن تدریس می‌کنند، مورد استفاده قرار داده و از این طریق توجه و حساسیت خود را نسبت به برخی از جنبه‌های تربیتی عادی شده در مدرسه و کلاس درس، افزایش دهند.

گردآورنده بسیار خرسند است و خدا را سپاس می‌گوید امانتی را که سال‌ها با خود حمل می‌کرد به صاحبان آن تحویل داده است و به توصیه‌ی راویان آن (که اکنون برخی از آن‌ها در آستانه‌ی بازنشستگی قرار دارند)، عمل کرده است. امید است این شور و اشتیاق معلمی که در طول این سال‌ها شاهد آن بوده‌ام هم‌چنان در نسل‌های آینده دانشجویان معلمان استمرار یابد و موجبات بالندگی آموزش و پرورش ایران را فراهم نماید.

در این جا وظیفه‌ی خود می‌دانم از همه‌ی دانشجویان رشته‌ی دبیری که در طول این



سال‌ها به این جانب اعتماد کردند و خاطرات خود را به رشته‌ی تحریر در آوردند صمیمانه تشکر کنم و از کوتاهی‌های احتمالی که در این میان صورت گرفته است پوزش طلبم. در پایان از زحمات سرکار خانم نیره فیروزی که با علاقه و دقت کار تایپ و صفحه‌آرایی این مجموعه را به عهده گرفت قدردانی می‌کنم.

سید حسین میرلوحی

تهران، زمستان ۱۳۹۳

www.ketab.ir

مقدمه مؤلف ۵

بخش اول: خاطرات تلخ دوره دبستان

فصل اول: تنبیه بدنی

۲۹	چوب مخموس
۳۱	دره خشک
۳۳	حرف «ص»
۳۶	که این طور
۳۸	آن قدر کتکم زد که
۴۱	اسم منو صدا زد
۴۳	نمی دانستم شیلنگ
۴۴	به کدامین گناه
۴۶	آمیول
۴۸	پایگاه جهنمی
۵۰	فلک
۵۲	دیگر هم از این غلط ها نکن
۵۵	بگو غلط کردم
۵۷	چرا کتک خوردم؟
۵۹	این صفر به اندازه سر توست
۶۱	ضامن
۶۲	مراقب
۶۴	شاهکار معلم
۶۶	خودم خفیات می کنم
۶۹	جرم استقبال از پدر
۷۰	جایزه معلم شکمو
۷۲	بد قولی معلم
۷۳	دروغ گویی اجباری



خاطرات تلخ و شیرین دوران مدرسه

- ۷۴ سیخ داغ
- ۷۶ تمرین لعنتی
- ۷۸ آخ جون
- ۷۹ حمال
- ۸۰ فکر انتقام
- ۸۱ ناخن بلند
- ۸۳ آب دهان
- ۸۵ خاصیت جفدی
- ۸۶ قدم آخر

فصل دوم: تحقیر

- ۸۹ ننیلیم
- ۹۱ نمی شد قیل شود
- ۹۳ خجالت در دوستان
- ۹۵ مرده باد
- ۹۷ کولی
- ۹۸ باعث آبروریزی
- ۱۰۰ سطل زباله
- ۱۰۳ مضحک‌های دست بچه‌ها
- ۱۰۳ دلک‌ها
- ۱۰۵ رفتار بچه گانه
- ۱۰۶ علت انزوا
- ۱۰۸ هدیه همراه عشق
- ۱۰۹ خاک تو سرت
- ۱۱۱ در حسرت بیست
- ۱۱۴ کلاه
- ۱۱۵ تو خنگی
- ۱۱۶ حرکت عجیب
- ۱۱۸ دوست دارم بنویسم
- ۱۲۰ سهمناک

فصل سوم: تمسخر

۱۲۳	خنده بچه‌ها
۱۲۶	دم مرغ نیم‌رو
۱۲۸	وصیت‌نامه
۱۳۱	آکابری
۱۳۳	الهام
۱۳۶	پوز خند معلم
۱۳۸	چای شیرین
۱۴۰	زنگ انشاء
۱۴۲	تو را چه به این حرف‌ها
۱۴۳	زخم زبان
۱۴۴	متلک بچه‌ها
۱۴۵	سوزنده‌ترین قطرات
۱۴۷	ادای احمقانه
۱۴۸	سیدد نفر تماشاجی
۱۵۰	بچه شیرین زبان
۱۵۲	مرا لچ کرده
۱۵۴	نصف ۲۲

فصل چهارم: تبعیض

۱۵۷	تو بفرما عزیزم
۱۶۰	دزد
۱۶۴	نفرت
۱۶۶	تو اصلاً بلد نیستی حرف بزنی
۱۶۹	تبانی
۱۷۱	دانش‌آموز جدید
۱۷۳	تأثیر مال و مقام
۱۷۴	بحران
۱۷۶	بالا تر از همه
۱۷۸	ازت متفترم



خاطرات تلخ و شیرین دوران مدرسه

- ۱۷۹..... غرور بی جا
- ۱۸۱..... تخمگذار
- ۱۸۲..... نقاشی زیبا
- ۱۸۴..... گل سرسبد کلاس
- ۱۸۵..... جشن تکلیف
- ۱۸۸..... معلم عادل
- ۱۹۱..... محرومیت
- ۱۹۲..... گریه، گریه
- ۱۹۴..... به خاطر زیبایی

فصل پنجم: ترس

- ۱۹۷..... ترس وحشتناک
- ۲۰۱..... فوران خون
- ۲۰۲..... ام الفنت
- ۲۰۴..... چراغ سبز
- ۲۰۶..... علت مردود شدن
- ۲۰۷..... نگاه ناظم
- ۲۰۹..... پاداش ناچیز
- ۲۱۱..... دسته کلید
- ۲۱۲..... قیچی
- ۲۱۳..... تسبیح
- ۲۱۴..... سیاه چال
- ۲۱۶..... سیاهت می کنم
- ۲۱۷..... نقش بازی
- ۲۱۹..... سخت ترین لحظات
- ۲۲۲..... صورت برافروخته

فصل ششم: اتهام تقلب

- ۲۲۵..... رنگش پریده
- ۲۲۸..... صفر چهارگوش
- ۲۳۰..... نگاه پرتعجب





فهرست مطالب

۲۳۲	بچه متقلب
۲۳۵	دروغ رقیب
۲۳۷	فکر غلط
۲۳۸	مچ گیری
۲۳۹	امتحان مجدد
۲۴۱	اصرار
۲۴۲	دروغگو
۲۴۴	سؤزن معلم
فصل هفتم: سخت گیری	
۲۴۷	سؤتفاهم
۲۵۰	وسواس
۲۵۲	استرس
۲۵۳	حسک کجایی؟
۲۵۴	تو سری
۲۵۵	نمره ی ۱۹
۲۵۷	انتظار نادرست
۲۵۹	ترک تحصیل
۲۶۰	خواهرزاده
فصل هشتم: انتقام	
۲۶۳	تلافی
۲۶۶	بی سواد
۲۶۷	تیر خلاص
۲۷۰	آرم
فصل نهم: لقب دادن	
۲۷۳	قد دراز
۲۷۴	میمون
۲۷۷	گوساله
فصل دهم: گوناگون	
۲۷۹	چرا دروغ نگفتی



خاطرات تلخ و شیرین دوران مدرسه

- ۲۸۱ یک صدم بزرگ تر است
۲۸۲ قدر دانی
۲۸۴ بدبینی
۲۸۵ جایزه از دست رفته
۲۸۷ تکلیف فردا
۲۸۹ اعتراف

بخش دوم: خاطرات شیرین دوره دبستان

فصل یازدهم: فراست و درایت معلم

- ۲۹۳ اعتماد به نفس
۲۹۶ درس بزرگ
۲۹۷ خورد - نیمانه
۲۹۹ بصیرت
۳۰۲ حفظ آبرو
۳۰۳ بهره هوشی
۳۰۴ احساس گرسنگی
۳۰۶ کار انسانی
۳۰۷ با استعداد
۳۰۹ سوت
۳۱۰ مکالمه کوتاه
۳۱۱ لهجه
۳۱۳ پنجه بوکس
۳۱۵ نگاه زیرکانه
۳۱۷ بیست
۳۱۹ انشای سفید
۳۲۱ راهکار
۳۲۲ روزه
۳۲۳ انتخابات
۳۲۵ اولین نفر
۳۲۷ نقطه عطف

فهرست مطالب

۳۲۸	لحن دلنشین
۳۳۰	معنای نظم و ترتیب
۳۳۱	نشانه بزرگواری
۳۳۳	درخواست
۳۳۴	رفتار سنجیده
۳۳۵	مشتاق ترین فرد
۳۳۷	بازی
۳۳۸	احساس همدردی
۳۴۰	نتیجه خوب
۳۴۱	به او تبریک می گویم
۳۴۲	عدالت
۳۴۴	نگاه توأم با مهر
۳۴۵	خاطره‌ای خوش
۳۴۷	نتیجه مورد نظر
۳۴۸	حساس تر از ما
۳۴۹	پیشرفت چشم گیر
۳۵۰	تقارن صورت
۳۵۱	پژواک
۳۵۴	خط خوش
۳۵۵	مانند پسر خودش
۳۵۷	این خود یک هنر است
۳۵۸	سعه صدر
۳۶۰	مانند فرشته
۳۶۲	لبخند صمیمی
۳۶۴	خیرخواهی
۳۶۶	لحظه زیبای موفقیت
۳۶۸	به عنوان الگو
۳۷۰	هنر بر خورد



فصل دوازدهم: تشویق و جایزه معلم

۳۷۲	علت سکوت
۳۷۵	گلدان زیباتر
۳۷۷	استقبال
۳۷۹	انعکاس رفتار
۳۸۰	مداد قرمز
۳۸۲	واقعه‌ی شیرین
۳۸۴	مقایسه‌ی دو برخورد
۳۸۷	جایزه
۳۸۸	روز فاموش نشدنی
۳۸۹	وجه وین
۳۹۱	دست‌یار
۳۹۲	فکر عالی
۳۹۳	تجربه گذشت
۳۹۴	تأثیر شگفت‌انگیز
۳۹۶	تقویت خود پنداره
۳۹۷	انگیزه‌ی درونی
۳۹۹	همه به وجد آمدند
۴۰۰	رقابت سالم
۴۰۱	شکوفایی استعدادهای نهفته
۴۰۳	آفرین مهندس
۴۰۴	صد آفرین
۴۰۶	سرمایه‌ی بزرگ
۴۰۷	حفظ دست آورد
۴۰۹	تخم مرغ ارزشمند
۴۱۱	مهر هزار آفرین
۴۱۲	هدف روشن
۴۱۴	خواستن توانستن است
۴۱۷	مسابقه

فصل سیزدهم: مهربانی و دلسوزی معلم

۴۱۹	الگوی عینی
۴۲۱	شادی مضاعف
۴۲۳	شوق دیدار
۴۲۵	لبخند
۴۲۷	دلیم برای تنگ شده بود
۴۲۹	اخلاق نیکو
۴۳۲	دستی بر شانه
۴۳۳	زیر آبی
۴۳۵	مانند یک
۴۳۶	برخورد استادانه
۴۴۰	یادش همیشه باقی
۴۴۲	قلب رئوف
۴۴۳	محیط دل‌انگیز
۴۴۵	همچون یک مادر
۴۴۶	اردوی خاطره‌انگیز
۴۴۷	رابطه دوستانه
۴۴۹	بردوش معلم
۴۵۰	رفتار شجاعانه